

## احیاء خیابان لاله‌زار به‌عنوان یکی از محورهای تاریخی - فرهنگی شهر تهران

نویسنده: فریدون برومندی

بهمن ماه ۱۳۸۷

یکی از خیابان‌های به نسبت پر رفت و آمد و پر زرق و برق تهران که هنوز هم پس از گذشت سالیان دراز، درخشندگی و رونقی دارد، خیابان لاله‌زار است. خیابانی که امروزه سرتاسر آن راسته لوازم الکتریکی شده است. این خیابان طبق نقشه نجم‌الملک (۱۳۰۹ قمری - ۱۸۹۱ میلادی) از گوشه شمال شرقی میدان توپخانه شروع می‌شد و به سه راه لاله‌زار می‌رسید.

این خیابان از آنجا لاله‌زار نام گرفته است که به قسمت شرق آن تا خیابان باغ وحش (سعدی) و غرب آن یکسره تا خیابان علاءالدوله (فردوسی) باغ دولتی مصفایی بود. این باغ از آثار عهد فتحعلی شاه قاجار است که به مرور در هر دوره ای بر تعداد بناها و زیبایی آن افزوده شد. در این باغ لاله‌های خودروی فراوانی روییده می‌شد و گرداگرد آن را با نرده‌های چوبی محصور کرده بودند واز جمله تفرج گاه‌های اعیان و اشراف به حساب می‌آمد. این باغ تا پیش از گسترش تهران یکی از باغ‌های خارج شهر و نزدیک ارگ سلطنتی بود. فتح‌علی‌شاه و محمدمیرزا ولیعهد سواره از ارگ برای گردش به باغ لاله‌زار می‌آمدند و تا سنه (۱۲۵۱ قمری - ۱۸۳۵ میلادی) اقامتگاه میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (صدراعظم معروف و مشهد محمدشاه قاجار) در باغ لاله‌زار بود.

از جمله وقایع این باغ آن است که چون محمدشاه قاجار در شب سه شنبه ششم شوال سال ۱۲۶۴ قمری (۱۸۴۷ میلادی) در قصر محمدیه درگذشت، جنازه‌اش را با تشریفات به سمت تهران حرکت دادند و جنازه را در یکی از حوض‌خانه‌های باغ لاله‌زار به مدت ۶۶ روز امانت گذاردند و مردم شب‌های جمعه برای فاتحه خانی به باغ لاله‌زار می‌آمدند.

این باغ تا پیش از گسترش شهر توسط مأمورین محافظت می‌گردید. در این مورد نامه ای وجود دارد که به ناصرالدین شاه در باب انتظامات و قراول باغ لاله‌زار نوشته شده است. نویسنده که نام وی در سند نیامده است، از وضعیت نیروی مأمور حفاظت باغ ناراضی بوده و در این باره انتقادات و همچنین پیشنهاد ات خود را به شاه ارائه کرده است. سند مهر و تاریخ ندارد، ولی در زمره نامه‌هایی است که در ذی الحجه سال ۱۲۸۴ قمری (۱۸۶۸ میلادی) از نظر ناصرالدین شاه گذشته است.

«هو»

«قربان خاک پای جواهرآسای مبارک شوم. اگر عرض نکنم مقصرم، باید رسوای عالم بشوم و در این آخر عمر به کشتن بروم. هرچه می‌گویم و می‌نویسم نه می‌خوانند و نه گوش می‌دهند. مأخذ فوج تخته قاپو هفتصد و پنجاه نفر است و یکصد نفر صاحب منصب و طبال و نی زن دارد. پنجاه نفر هم همراه نواب یمین الدوله رفته است. یکصد نفر منزل پا و مریض و سوار صاحب منصب است. باقی پانصد نفر سرباز می‌ماند. باغ لاله‌زار به این بزرگی، چندجا راه آب چسبیده به باغ وحش و غیره همه جا قراول لازم دارد و نزدیک منزل ایلچی دولت عثمانی. این در بزرگ که عبور مردم است یکصدنفر سرباز و یک نفر یاور و یک نفر سلطان و طبال و نی زن و موزیکانچی می‌خواهد و یک دسته هم آن درکه حرم خانه است و خوابگاه وجود مبارک پادشاه روحی و روح العالمین فداه است و دور باغ هم بیست قدم یک چاتمه سرباز قراول می‌خواهد. و حال چند روز است فوج تخته قاپو را آورده‌اند دور عمارت پادشاهی روحی و روح العالمین فداه قراول گذاشته‌اند. حالا باید عرض نمایند و این فوج بیاید به قراولی باغ لاله‌زار. می‌گویند هم دوره عمارت قراولی نمایند و هم در باغ قراولی بکنند. دشمن نمک پادشاه روحی و روح العالمین فداه باشم. سوای این که این پیر غلام را ضایع و رسوا نمایند خیال دیگر ندارند. استدعا از خاک پای مبارک این است دو کلمه دست خط مبارک مرحمت شود

محمدقلی بیگ و یاور سواره افشار را که در رکاب است چاپاری بفرستم که جناب قائم مقام عجالاً از دو فوج خوبی یک هزار نفر سرباز ... سوای صاحب منصب وطبال و نی زن منتخب کرده به زودی بفرستد یکصد نفر هم از سواره افشار بفرستد با فوج بیاید پیر غلام جان نثار از قراولی آسوده شود و فرمایش شود تا آمدن فوج خوبی و سواره به ترکیب این فوج دست نزنند.»

در اوایل عهد ناصرالدین شاه به این باغ توجه خاصی شد. برای برقراری ارتباط بین باغ لاله‌زار و ارگ سلطنتی در سال (۱۲۷۴ قمری - ۱۸۵۷ میلادی) توسط موسیو کریشیش معلم توپخانه سیم تلگرافی از باغ لاله‌زار به عمارت سلطنتی ارگ کشیده شد و دستگاه مخابرات دایر گردید که بعد از مدتی تلگراف خانه به ضلع جنوبی میدان توپخانه انتقال یافت.

در این عصر باغ گردشگاه و محل تفریح جمعی از اعیان و رجال و بزرگان قوم بوده که در روزهای تعطیل و گاهی عصرها سواره با کالسکه و اسب آنجا می‌رفتند و گشت و گذار می‌کردند. در باغ لاله‌زار از نمایندگان و سفرای خارجی هم پذیرایی می‌شد و به همین جهت چندین جایگاه آبرومند و مناسب برای پذیرایی از نمایندگان ممالک خارجی تعبیه شده بود، از جمله ژنرال گاردان فرانسوی مأمور ناپلئون که چند روزی در این باغ اقامت داشته است.

در سال ۱۲۸۲ قمری (۱۸۶۵ میلادی) دختر فتحعلی شاه، زن آقاخان محلاتی (رئیس فرقه اسماعیلیه) که مقیم بمبئی بودند از هندوستان سه فیل و یک کرگدن برای نوه برادر خود ناصرالدین شاه هدیه فرستاد. برای نگهداری این حیوانات و دیگر حیوانات به دام افتاده در شکارگاه‌های ایران مدتی قسمت شرقی لاله‌زار به باغ وحش اختصاص یافت. در این باغ برای مردم نمایش‌های جالبی از حیوانات وحشی رام شده از قبیل شیر و فیل و خرس و انواع میمون‌ها می‌دادند. به همین علت خیابان سعدی فعلی مدتی به خیابان باغ وحش خوانده می‌شد. ولی چند دهه بعد هنگامی که ناحیه غربی باغ لاله‌زار حالت مسکونی یافت این باغ وحش بعداً به دوشان تپه در خارج شهر منتقل گردید.

اعتمادالسلطنه در شماره ۲۴ روزنامه شرف مورخ محرم (۱۳۰۲ قمری - ۱۸۸۵ میلادی) باغ لاله‌زار را چنین توصیف می‌کند:

«... باغ مبارک لاله‌زار که از باغات دولتی واقع در داخل شهر دارالخلافه ناصریت اصلاً و اساساً از ابنیه و آثار عهد خاقان خلد آشیان مبروز فتحعلی شاه انارالله برهانه است و تدریجاً در هر عصری بر وسعت و نزهت آنجا افزوده شده تا این عهد جاوید اختران که از یمن توجهات کامله و نتیجه ارادت عالیه بزرگان اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون صاحبقرانی شیدالله و عاسم دولته شهر مینو بهر دارالخلافه الباهره کلیه درآبادانی و عمران ثالث غوطه و سغد بلکه ثانی روضه خلد گردیده آبادی مزبور نیز به درجه کمال رسیده و عمارت حالیه که با نهایت جلوه و شکوه موجود و مشهود است از ابنیه و آثار مخصوصه اوایل همین عهد همایونیت سطح این باغ بسیار وسیع و طولانیست و طولش که از جنوب به شمال است تقریباً یک هزار ذرع (۱۰۴۰ متر) می‌شود تمامش مشجر به اشجار باثمر و مزین به گل‌های رنگارنگ و مشتمل بر خیابان‌های متوازی و مستقیم و انهار جاری و حوضهای سرریز دو عمارت عالی در دو موضع این باغ بنا گردیده یکی ... عمارت‌تیس دوبرتبه شامل بر دوازده اطاق و تالار خوشوضع وسیع فوقانی و تحتانی و منازل زمستانی و تابستانی همه مفروش به بساط‌های نفیس و مزین به مبل‌های ممتاز و اسباب خاص و عمارت دیگر که تقریباً به فاصله چهارصد زرع (۴۱۶ متر) از این عمارت از طرف جنوبی و سمت سفلی باغ واقع است عمارت‌تیس هشت و مجرد موسوم به کلاه فرنگی خیلی بدیع‌الوضع و خوش‌منظر که عمارات مئمن بنای چنین مطبوع و مزین کمتر دیده شده و آن نیز آراسته به اثاث و بساط ملوکانه است و همیشه این باغ و عمارت محل پذیرایی سفرای کبارخارج و مضمین دولتی از برای مهمانهای مکرم و مأمورین محترم دول متعابه است چنان که در این اوقات و ایام نیز

جناب موسیو برانشویک وزیر مختار و ایلچی دولت فخمیه آسمان با اجزای این سفارت محترم در همین باغ و عمارت مبارکه مهمان و پذیرفته گرامی دولت بودند.»

در سال ۱۲۸۴ قمری (۱۸۶۷ میلادی) که ناصرالدین شاه دستور داد شهر را از چهار طرف بزرگ کنند باغ لاله‌زار داخل شهر گردید و از اهمیت آن کاسته شد. نتیجتاً از باغ عشرت آباد برای پذیرایی از میهمانان خارجی استفاده شد. ناصرالدین شاه پس از مراجعت از سفر اول خود به فرنگ با مشاهده خیابان کشی‌های مرتب آنان به فکر ساختن شانزه لیزه ای در پایتخت برمی‌آید. بنابراین دو خیابان عمده در آن احداث می‌کند. همین خیابان کشی‌ها موجب خرابی نرده‌های باغ و قطع درختان آن گردید و باغ را از صورت زیبایش خارج ساخت.

با توسعه تهران، باغ لاله‌زار و ناحیه اطراف آن داخل محدوده شهر قرار گرفت و موقعیت عالی و باصفای این کوچه باغ و امنیت نسبی آن به خاطر مجاورت با باغ دولتی لاله‌زار باعث گردید زمین‌های طرف غرب آن که تا خیابان علاءالدوله (فردوسی) گسترده بود به عنوان مرغوب ترین اراضی شهری به سرعت خریداری شده و تبدیل به جدیدترین و مصفا ترین محله مسکونی شهر به نام محله دولت گردد.

مخبرالسلطنه «مهدی قلی خان هدایت» در این باره چنین می‌نویسد:

«لاله‌زار باغی بود بین خیابان لاله‌زار و میدانی در متمم خیابان اسلامبول و خیابان ماشین که حال اکباتان نام نهاده‌اند. قسمت شرقی آن را باغ وحش می‌گفتند حال همه عمارت شده است. خیابان تختی (سعدی) آن دو قسمت را از هم جدا کرده است، ناصرالدین شاه لاله‌زار را به نود هزار تومان فروخت. تولوزان (پزشک مخصوص و مشاور شاه) التماس‌ها کرد که نگاه بدارند که سبب لطافت هوای شهر است، نشنیدند.»

در این تقسیمات بخش چشم‌گیری از آن به میرزا علی اصغرخان اتابک رسید و باغ استاد شیر جعفر کاشی معمار شمس‌العماره در شمال لاله‌زار را مخبرالدوله خرید و علاءالدوله امیرنظام خانه‌هایی را در ابتدای خیابان لاله‌زار احداث نمود. کم‌کم زمین باغ لاله‌زار توسط خریداران تفکیک شد و به خانه و دکان تبدیل گردید. مغازه‌ها بعدها رونقی یافته خیابان لاله‌زار را به صورت بهترین خیابان‌های دارالخلافه تهران درآوردند و خانه‌های اعیان و اشراف و خارجیان همگی در این خیابان قرار گرفت. عده ای از ارامنه و زرتشتیان نیز در خیابان لاله‌زار، عمارت مسکونی و یا مغازه اجاره کرده بودند به طوری که لاله‌زار آن دوره، محل خرید و فروش اشیاء جدید و نفیس بود. درواقع خیابان لاله‌زار محله اروپایی نشین محسوب می‌شد و مغازه‌های مُد روز هم چون «مغازه کنتوار» که اجناس فرنگی می‌فروخت و در گوشه خیابان لاله‌زار داخل کوچه باقر صراف قرار داشت، «خانه فرانسه»، «تجارت خانه هلندی» و اداره پست همه را در همین خیابان می‌شد یافت.

در سال (۱۰۳۷ قمری/ ۱۸۸۹-۹۰ میلادی) یاندرکی پس از آن، خط واگن اسبی در شرق خیابان لاله‌زار تا انتهای شمالی باغ لاله‌زار، مقابل خانه‌های خانواده مخبرالدوله هدایت، امتداد یافت و آبادی این محله رابه عنوان بهترین و متجددترین محله مسکونی شهر کامل کرد و همین امر موجب ترقی و پیشرفت لاله‌زار گردید. در همین سال اراضی باغ لاله‌زار از قرار ذرعی (۱/۰۴ متر) یک تومان تا هفت هزار و شش هزار فروخته شد.

ناصرالدین شاه باغ لاله‌زار را در اواخر سلطنت خویش فروخت و این کار باید در طی چهار سال آخر عمر وی، شاید در حدود سال (۱۳۱۰ قمری/ ۱۸۹۲-۳ میلادی) که قرارداد انحصار تنباکو توسط شرکت رژی با قیام مردم تهران به شکست انجامید صورت

گرفته باشد، زیرا باغ لاله‌زار در نقشه (۱۳۰۹ قمری / ۲-۱۸۹۱ میلادی) هنوز باقی است. کمپانی مطالبه غرامت می‌کرد و خزانه خالی بود.

مخبرالسلطنه در خاطرات خویش در حدود سال (۱۲۹۰ قمری / ۴-۱۸۷۳ میلادی) می‌نویسد:

«... پدرم باغ استاد شیر جعفر را در شمال لاله‌زار خرید، سی هزار ذرع بود هر ذرعی یک ریال، عمارتی در آن بنا کرد و از عمارت ملک الکتاب نقل مکان کردیم، بالای باغ استاد شیر جعفر صحراست در جنوب آن باغ لاله‌زار و باغ وحش که شیر و پلنگ، گرگ، خرس، بعضی طیور و حیوانات کوهی در آن باغ جمع کرده‌اند.»

این شرح مربوط به ناحیه شمالی باغ لاله‌زار یعنی اطراف ناحیه‌ای است که امروز به خیابان لاله‌زارنو موسوم است. بدین ترتیب ناحیه اطراف باغ به سرعت آباد شد و طی نزدیک به سی سال تا پایان دوره ناصری خانه‌های تعدادی از رجال طراز اول ایرانی و اروپایی مانند خانه‌های علاءالدوله، عمارت کشیکچی باشی، عمارت نواب انیس الدوله، باغچه شمس الدوله، خانه سیف‌الدوله، خانه امین السلطنه و خانه‌های امین السلطان در سمت غربی این خیابان جای گرفتند. علاوه بر این، خانه خواهران سن و نسان دوپل میسیونرهای فرانسوی و سفارت فرانسه نیز در این خیابان قرار داشت. به نوشته اورسل درسال (۱۲۹۹ قمری / ۱۸۸۲ میلادی) عمارت خواهران سن و نسان دوپل شامل درمانگاه و مدرسه دخترانه کوچکی بود که در آن دختران اروپایی مقیم تهران و آرامنه کاتولیک و حتی بعضی دختران مسلمان به سبک مدارس اروپا، تاریخ، جغرافی، زبان فرانسه و خیاطی می‌آموختند. کلیسای کاتولیک نیز که به وسیله دو نفر لاله‌زاریست فرانسوی اداره می‌شد در مجاورت مدرسه خواهران واقع گردیده بود. کلیسای کوچک محقر سفیدکاری شده ای بود که اثاث چشم‌گیرش عبارت بود از چند مجسمه مقدسین و یک دستگاه ارگ کوچک ولی در حد نهایت تمیزی و نظافت. این کلیسا در سال (۱۳۴۰ شمسی / ۱۹۶۱ میلادی) موقع ساخت مؤسسه روزنامه کیهان تخریب گردید. در همین سال‌ها تولوزان پزشک نیز در این خیابان سکنی داشت.

با تفکیک و فروش باغ لاله‌زار مقدمات تغییر چهره آن از حالت یک کوچه باغ خلوت و طولانی نیمه خصوصی که سکوت آن را تنها هر از گاهی صدای سم اسبانی که واگن رامی کشیدند برهم می‌زد، فراهم شد. خیابان لاله‌زار از اوایل مشروطیت با ورزش نسیم آزادی و نوای قوانین استقلال خواهی اهمیت بیشتری یافت. این تغییرمقارن با دوران مظفری بود که تهران یک دوره آزادی توأم بالندگی هوس جویی را تجربه می‌کرد. بسیاری از ایرانیان مقیم اروپا و روسیه که در دوره ناصری جرأت آمدن به ایران نداشتند، به تهران بازگشته بودند و مسافرت و رفت و آمد میان تهران و اروپا که در زمان ناصرالدین شاه محدود و تحت کنترل بود، آزاد گشته و باب مراوده گشوده شده بود.

در این زمان خیابان با صفای لاله‌زار که چشم‌اندازش کوه‌های پر برف توچال بود دو طرفش راخانه باغ‌های اعیان با سردرهای زیبا و مجلل و درختان کهن و سرسبزی که از فراز دیوارها سرکشیده بودند، فرش کرده بود، آرام آرام گردشگاه فرنگی مآبها و فولکی‌ها و متجددهایی می‌شد که دوست داشتند «آلفرانز» لباس بیوشند و غذا بخورند و تفریح کنند. همراه با آن تصاویر ذهنی، این آدم‌ها هم به تدریج در فضای خالی و خلوت خیابان شروع به ظاهر شدن کرد. خیابان سنگ فرش گردید و مغازه‌ها و رستوران‌ها و کافه‌هایی که نام‌های پارسی داشتند در خیابان پدیدار شدند. نهادهای شهری اروپایی مانند هتل‌ها، دفاتر روزنامه‌ها، تئاترها، مطب دکترها، خیاط‌های فرنگی دوز، سلمانی‌های جدید، عکاس خانه‌ها و مراکز تفریحی در این خیابان دایر گشتند... بدین ترتیب تصویر کوچه باغ آرام و مصفا زایل گشت و خیابان لاله‌زار پاتوق کسانی شد که رندکت و جلیقه و کفش بنددارپنجه پهن بر تن داشتند و رنگ لباسشان را با تغییر فصل عوض می‌کردند و سوار بر درشکه در خیابان بالا و پایین می‌رفتند.

در این دوران محله لاله‌زار به محله ای تجارتی، متجدد و «شیک» تبدیل شد. مخبرالسلطنه که هر دو تصویر خیابان لاله‌زار را دیده در این باره می‌گوید:

«... در تابستان خیابان لاله‌زار هوای خنک بسیار خوبی داشت در آن اوقات که خیابان خوش هوا و روح افزا بود اهالی کم تر استفاده می‌کردند اینک که هوای آن خیابان باطناً و ظاهراً کثیف و مودی است محل توجه و ازدحام خلق است و مخرب اخلاق سابق این ازدحام در تیمچه حاجب الدوله می‌شد.»

اوج بلوغ و رونق خیابان لاله‌زار در دوره مشروطیت فرا رسید و پس از آن تا پایان قاجاریه لاله‌زار یکی از مهم ترین گردشگاه‌های تهران بود و به خاطر ترکیب خاصی که از تئاترها و رستوران‌ها و ویتترین‌های تماشایی به خود گرفته بود شبیه به شهر فرنگی شده بود که نظر هر سودا زده ای را به خود جلب می‌کرد.

توصیف زنده و طنزآمیز کلود آنه خیابان لاله‌زار را در سال (۱۳۲۷ قمری/۱۹۰۹ میلادی) چنین مجسم می‌کند:

«عصرها باید به خیابان لاله‌زار رفت که در حقیقت برای تهران به منزله خیابان صلح است برای پاریس. مغازه‌های مُد روز همه در این خیابان قرار دارند. خیاط شیک دوز «شریمن» مکانیستین همه کاره ای که با ابزاری واحد هم ماشین‌ها را تعمیر می‌کند و هم ساعت‌ها را، عکاسی که عکس به دار آویختگان روز قبل را فوراً به نمایش می‌گذارد و همینطور «خانه فرانسه» و «تجارت خانه هلند» و اداره پست همه را در همین خیابان می‌توان یافت. تنها تراموای شهر نیز از این خیابان عبور می‌کند. این تراموای دارای دو واگن روباز در جلو و عقب است و یک واگن سرپوشیده در وسط که با یک در کشویی محکم بسته می‌شود. انسان فکر می‌کند که این واگن مخصوص حمل و نقل دزدان و تبهکاران است، در صورتی که فقط به خانم‌ها اختصاص دارد.»

چندین بچه ولگرد از چاپخانه مجاور بیرون می‌ریزند و با نعره‌های سرسام آور روزنامه‌های تهران، لیبرال و ایران نو را به فروش می‌رسانند.

یک دسته رفتگر خیابان لاله‌زار را جارو می‌کشند و دسته دیگر آبپاشی می‌کنند. علمای فیزیولوژی با اطمینان می‌گویند که در جانوران، احتیاج سبب پیدایش عضو و اندام می‌شود. معلوم می‌شود آنها تهران و سپورهای آبپاش آن را ندیده‌اند و گرنه بر این اعتقاد پافشاری نمی‌کردند. تهران با این که دارای منابع آب بسیار خوب است ولی یکی از غبارآلودترین شهرهای جهان است و قاعدتاً باید از قرن‌ها پیش وسیله از بین بردن این گرد و غبار را با وجود این منافع یافته باشند. امامت‌آسفانه چنین نیست. سپور آبپاش هنوز هم یک مشک از پوست گوسفند دارد که آن را از نهرهای زیرزمینی پر می‌کند و سپس با دو ضربه پیایی محتوی آن را روی خاک خالی می‌کند بعد چند لحظه ای می‌آیستد و کمی به فکر فرو می‌رود، پکی به چپق خودش یا رفیقش می‌زند و با خونسردی و سر فرصت کارش را از سر می‌گیرد و هیچ وقت در کارش عجله نشان نمی‌دهد. اگر در عرض یک ساعت ده قدم در ده قدم را آبپاشی کرده باشد پیش خود قضاوت می‌کند که وظیفه اش را نسبت به خدا و هم نوعانش به جای آورده است. در هر حال ساعت ۶ بعدازظهر در خیابان لاله‌زار نسبت به خیابان‌های علاءالدوله و ناصریه و الماسیه که به آن دالان بهشت می‌گویند گرد و خاک کمتری وجود دارد. این خیابان میعادگاه مردم تهران است. کالسکه‌هایی که از این خیابان به طرف شمال شهر در حرکت هستند

اعیان و پولدارهای تهران و اروپایی‌ها را به گوشه‌های دنج و خنک شمیران می‌برند گهگاه شخصیتی بزرگ سوار بر اسب سیاه زیبا چهار نعل از خیابان عبور می‌کند در حالی که خدمتکاران به دنبال اسبش می‌دوند. کارکنان بانک‌های روس و انگلیس که تازه مرخص شده‌اند در خیابان پرسه می‌زنند. بختیاری‌ها در حالی که تفنگی بردوش دارند یا هفت تیری به کمر بسته‌اند با کلاه بلند و با شلوارهای سیاه و گشاد مثل دامن دسته دسته حلقه زده‌اند و با هم صحبت می‌کنند. همه بلندقامت هستند و دماغ‌های عقابی، صورت‌های جدی، آنها را خشن تر می‌کند. باید دید که این مردم چادر نشین راجع به زندگی در پایتخت چه نظر و قضاوتی دارند، آیا حالا که به صورت مأموران پلیس شهر انجام وظیفه می‌کنند حسرت زندگی گذشته خود را در آن کوهستان‌های وحشی نمی‌خورند؟ هم پالگی فعلی آنها قفقازی‌های غرق در گلوله هستند. عده‌ای تهرانی ردیف کنار دیوار روی پاشنه پا نشسته‌اند و با ناخن‌های حنا بسته شان گردوهای درشت را با ظرافت و مهارت پوست می‌کنند. خرکچی‌های گول پیکر برای این که الاغ‌هایشان به درشکه برخورد نکنند با ندای «خبردار» درشکه‌چی‌ها آن‌ها را به این سو و آن سو می‌کنند. شترها در لباس تابستانی یعنی با پشم‌های تازه چیده و بدنی به رنگ قرمز آجری چشمک زنان به جلال و شکوه این نمایش رنگارنگ می‌نگرند. خورشید با حسرت و تأسف غروب می‌کند. به زودی ستاره زهره در غرب که هنوز هم روشن و نورانی است درخشیدن آغاز می‌کند. منظره لاله‌زار در بهترین ساعتش همین است.»

در این تصویر نوشتاری فضای لاله‌زار هم چون جمعی از اضداد ایرانی و فرنگی مجسم شده است. مطلب طنزآمیز دیگری در سال (۱۳۲۹ قمری/۱۹۱۱ میلادی) در روزنامه ارشاد، اصلاً به قصد مجسم کردن این اضداد تصویری در فضای خیابان نوشته شده است.

«... هرکس هیزم خشک بسیار می‌خواهد در خیابان لاله‌زار تشریف آورده خریداری نماید، اما چه وقت؟»

از نیم ساعت به غروب مانده الی یک ساعت از شب گذشته همه روزه یعنی همان وقتی که آقایان گل گلاب مستفرنگان شوخ و شاب فضای خیابان را مملو نموده‌اند، همان وقتی که آقایان دیپلوماسی، صاحبان کله سیاسی برای تفنن به خیابان می‌آیند، همان وقتی که شاگردان مدرسه بیرون آمده و در طول خیابان پراتیک فرانسه خود را تکمیل می‌کنند، همان وقتی که زرنگ زرنگ واگن اسبی مملو از ۱۵۰ نفر جمعیت قسمت عمده ای از خیابان را قرق می‌کند. همان وقتی که الاغ‌های تحافی شاه بلوط بوداده مال مازندران ... باکمال متانت و ملائمت طرف شرقی خیابان را به خوداختصاص داده و مونوپل نموده‌اند. همان وقتی که آن سید چلاق با شش تا بچه هفت ساله و شش ساله آن ضعیفه‌های عاجز و فقیره در تمام طول خیابان عابرین را بدرقه می‌کنند. همان وقتی که از کثرت جمعیت سگ صاحبش را نمی‌شناسد. همان وقتی که درشکه چی‌ها برای سبقت از یکدیگر دو سه بچه را زیر درشکه می‌گذارند. همان وقتی که به نام صرفه جویی دولت تمام چراغ‌های خیابان به کلی خاموش است. همان وقتی که بعضی از سرداران بختیاری با کالسکه‌های مجلل و چند نفر ژاندارم مسلح سربالا تاخته و انظار عابرین را از هیبت و صلابت خودشان مرعوب می‌سازند. همان وقتی که دلان هیزم فروش بیست رأس الاغ را هیزم بار کرده و قطار نموده یک صد ذرع طول را منظمأ قرق کرده و با آوازی گوش خراش پی در پی می‌گویند آی چهار خروار هیزم خشک!! آی چهار خروار هیزم خشک!!»

از جمله وقایع دیگر خیابان لاله‌زار این است که صنایع الدوله هدایت وزیر مالیه وقت، عصر روز ششم ماه صفر سال (۱۳۲۹ قمری/۱۹۱۱ میلادی) در سر چهارراه لاله‌زار به دست چندتا قفقازی نیمه روس تزاری ترور شد و ده ماه بعد در نهم ذیحجه همان سال علاءالدوله نیز در جلو خانه اش در خیابان لاله‌زار به ضرب گلوله مجاهدی کشته شد.

در فاصله سال‌های (۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ قمری/۱۹۰۷ تا ۱۹۱۱ میلادی) این خیابان شاهد وقایع ادبی بسیاری بود. بعد از انحلال شرکت فرهنگ و پراکنده شدن کارگزاران بخش نمایشی آن بلافاصله ضرورت ایجاد یک گروه نمایشی مستقل و منطبق با اوضاع و احوال اجتماعی احساس شد و گروه تئاتر ملی (۱۳۰۳ شمسی/۱۹۲۴ میلادی) با مدیریت سید عبدالکریم محقق الدوله به اجرای برنامه‌هایی در سالن کوچک بالای چاپخانه فاروس واقع در نبش کوچه ملی (باربد فعلی) تشکیل گردید. سینما خورشید (آذر ۱۲۹۶ شمسی/۱۹۱۷ میلادی) اولین سینمای خیابان لاله‌زار در نبش کوچه بوشهری نرسیده به مغازه پیرایش (نخستین فروشگاه بزرگ به سبک اروپایی) با سالن روباز و پس از آن سینما ایران (۱۳۱۸ شمسی/۱۹۳۹ میلادی) و سینما مایاک (۱۳۱۸ شمسی/۱۹۳۹ میلادی) و کتابخانه تهران، اداره روزنامه اطلاعات در نزدیکی خیابان استانبول از دیگر احداثات این خیابان به شمار می‌روند که ارزش و اعتبار خاصی را به آن بخشیدند. علاوه بر این‌ها عمارت سابق اداره پست خارجه در اول خیابان لاله‌زار بود که هم اکنون در جای آن سینما تابان به فعالیت مشغول است.

با نقل مکان افراد ثروتمند و انتقال سفارت خانه‌ها و بسیاری از بستگان و مستخدمین آنها به محله جدید دولت بناهای مجللی در حاشیه خیابان لاله‌زار و حوالی آن ساخته شد. به طوری که این خیابان پس از مشروطیت در اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی، به خیابانی تبدیل شد که نه تنها محل‌های تفریح و گذران اوقات فراغت را در خود گرد آورده بود بلکه خود مهم ترین گردشگاه و محل تفرج و تماشای اهالی پایتخت به شمار میرفت. تحول محله دولت و استقرار اغنیا در شمال شهر، در آمار ابنیه تهران که در سال (۱۳۲۰ قمری/۱۹۰۲ میلادی) تهیه شده کاملاً مشخص است. در دوره سلطنت احمدشاه قاجار و اوایل پهلوی، پیش از رواج سینما که آغاز رونق و شکوفایی فعالیت تئاتر در تهران است، بهترین تماشاخانه‌های تهران مانند تئاتر ملی (۱۳۰۳ شمسی/۱۹۲۴ میلادی)، تئاتر دهقان (۱۳۱۸ شمسی/۱۹۳۹ میلادی)، تئاتر نصر - تماشاخانه تهران (۱۳۱۸ شمسی/۱۳۳۹ میلادی) و تئاتر پارس (۱۳۱۹ شمسی/۱۹۴۰ میلادی) و بعداً تئاتر حافظ نو (۱۳۴۰ شمسی/۱۹۶۱ میلادی) و تئاتر یاس (۱۳۴۰ شمسی/۱۹۶۱ میلادی) در خیابان لاله‌زار گشایش یافتند. بدین ترتیب لاله‌زار کانون تئاتر و سینما و هنرهای نمایشی تهران شد.

در سال (۱۳۰۸ شمسی/۱۹۲۹ میلادی) بلدیة تهران موقع خیابان سازی، قسمت خط آهن واگن اسبی را که از سمت شرق خیابان می‌گذشت در زیر خاک مدفون ساخت و بدین ترتیب واگن از این خیابان برچیده شد. در سال (۱۳۱۰ شمسی/۱۹۳۱ میلادی) زمانی که همه معابر اصلی تهران را تعریض می‌کردند خیابان لاله‌زار با معیارهای زمان خود چنان مطلوب و جا افتاده به نظر رسید که از تعریض کلی آن چشم پوشی شد و عرض خیابان تنها در نقاطی که به علت تجاوز بناها به حریم معبر تنگ شده بود اصلاح گردید و کف آن آسفالت شد. از وقایع سال (۱۳۲۱ شمسی/۱۹۴۲ میلادی) آن که در آذر آن سال عده ای از مردم تهران در اعتراض به قحطی و گرانی دست به غارت مغازه‌های لاله‌زار زدند، دولت بلافاصله حکومت نظامی اعلام کرد و مسلسل‌ها در نبش شمالی چهارراه لاله‌زار به کار افتاد و شورش به شدت سرکوب شد. در طی سال (۱۳۲۲ شمسی/۱۹۴۳ میلادی) در روزنامه‌ها مطلبی با عنوان بی مسمی بودن نام خیابان لاله‌زار درج شد که متعاقب آن شهرداری آسفالت آن را به قصد کاشت گل لاله کند. یک هفته بدون آسفالت بود تا این که دوباره آسفالت شد.

در بررسی نقشه نجم الملک تهیه شده به سال (۱۳۰۹ قمری/۱۸۹۱ میلادی) در گوشه جنوب غربی خیابان در آن روزها مغازه ای دیده می‌شود که محل فروش اشیاء ساخت فرنگ و لوکس بود. چون این مغازه در زمان حکومت احمدشاه قاجار به اجازه حاج امین الضرب درآمد وی از سال (۱۳۲۷ قمری/۱۹۰۹ میلادی) تا سال (۱۳۳۳ قمری/۱۹۱۴ میلادی) از باغچه این مغازه به عنوان نمایشگاه کالسه‌های مدرن استفاده کرد. بعدها این مغازه گسترش یافت و به نام «تجارت خانه هلند» معروف شد. سپس از طریق

متولیان موقوفه به صورت مغازه‌های متعدد درآمد. این مغازه تا سال (۱۳۰۰ شمسی/۱۹۲۱ میلادی) به کسب و کار مشغول بودند تا آن که جهت ساختمان بلدیه (شهرداری) همگی تخریب شدند. در همین سال است که مأمورین چراغ برق، در خیابان لاله‌زار سیم کشی می‌کنند و همان شب در این خیابان تا جایی که سیم پیش رفته بود، چراغ برق دایر می‌گردد و تا قبل از آن روشنایی خیابان به وسیله فانوس‌های نفتی و مدتی هم با چراغ‌های گازی تأمین می‌شد. کمی بالاتر در انتهای کوچه ابوالفضل، تئاتر دهقان قرار دارد. این تئاتر در سال (۱۳۱۸ شمسی/۱۹۳۹ میلادی) توسط احمد دهقان تأسیس گردید در حالی که ساختمان آن سال‌ها به صورت متروکه رها شده است. امروزه سرتاسر این کوچه به مغازه‌های الکتریکی اختصاص یافته است. احمد دهقان همان مدیر مجله «تهران مصور» است که در دوران اول حکومت پهلوی دوم به وکالت مجلس شورای ملی رسید و در ۶ خرداد (۱۳۲۹ شمسی/۱۹۵۰ میلادی) در دفتر کار خود واقع در گراند هتل از طرف جوانی به نام حسن جعفری ترور شد.

در ابتدای کوچه اتابک آن روز کوچه شاه چراغی امروزمین (کیهان سابق) به سمت شمال منزلی بود متعلق به «پروسکی صاحب» (معلم زبان فرانسوی و جغرافیای مدرسه دارالفنون) که مدتها مدرسه حقوق بود. پس از انتقال رشته حقوق به دانشگاه تهران، دبیرستان ادیب با ساختمان جدید خود در جای آن ساخته شد. این ساختمان هم اکنون مرکز پیش دانشگاهی آیت الله صدر است. درست در ضلع شمال شرقی خانه پروسکی خان و مشرف به خیابان لاله‌زار آن نقشه، محوطه ای به نام اداره نظمیه نشان می‌دهد که کاملاً به صورت جزئی از منزل پروسکی خان است. امروز آن خانه و قسمت شرقی پروسکی خان و مشرف به خیابان لاله‌زار مغازه و پاساژ نور است. قطعه جنوبی ابتدای کوچه باربد (ملی سابق)، باغ وحش و خانه متعلق به شمس الدوله و سیف الدوله است. سیف الدوله و شمس الدوله مالک آنجا برادر و خواهری بودند فرزندان سلطان احمد میرزای عضدالدوله پسر فتحعلی شاه قاجار، امروز این باغ و خانه، دکان و پاساژ شده است و تئاتر نصر (تماشاخانه تهران) از سال (۱۳۱۸ شمسی/۱۳۳۹ میلادی) و سینماهای نادر (سینما ملی و رویال پیشین) و جهان (آزیتا) در آن قرار دارند. بعد از مشروطیت، اواخر دوران قاجاریه در قسمتی از این باغ و خانه نخستین هتل به سبک اروپایی به نام گراند هتل تأسیس شد که متعلق به مرحوم سید نصرالله خمسی (باقراف) بود و به سبک اروپایی از مسافران خارجی پذیرایی می‌کرد و عده ای از رجال هم در آن پانسیون بودند. این هتل سالن زیبایی داشت با طارمی‌آی در جلو ایوان یا راهرو مرتبه دوم که ابتدا جهت رقص و ناهارخوری اختصاص یافت و سپس سالن بالماسکه و نمایش شد و چندی نیز توسط علی وکیلی صورت سینما (۱۳۰۴ شمسی/۱۹۲۵ میلادی) به خود گرفت. در سالن زیبای آن به دوران آزادی (۱۳۳۷ قمری/۱۹۱۹ میلادی)، کنسرت‌های آزادی خواهانه عارف قزوینی و یکی دو نمایش از میرزاده عشقی به نمایش درآمد. این دو شاعر ملی و انقلابی که نمایش‌های شورافکن وطنی همراه با شعرها و تصنیف‌های مهیج می ساختند خود در نقش‌های اول به روی صحنه می‌آمدند. گراند هتل تا اواسط حکومت پهلوی دوم دایر بود و امروز به کارگاه‌های تولیدی-تجاری تبدیل شده است. این بنا لباس عاریه ای به تن کرده و تزئینات آجری نمای آن در زیر پوشش سیمانی پنهان شده است.

املاک شمالی کوچه باربد نیز از آن امین السلطان است که وی از موسیو دمورنی خریداری نمود و بر املاک پدری افزوده است و آن چه به حاجی رحیم آقای اتحادیه فروخته شد قسمت‌هایی از این اراضی بود که در جنب منزل ظهیرالدوله قرار داشته است. زمین‌های زیادی از آن به صورت پاساژهای بزرگ بهار و رزاق منش (۱۳۰۹ شمسی/۱۹۳۰ میلادی)، سرای لاله‌زار (۱۳۲۴ شمسی/۱۹۴۵ میلادی) و سینماهای شهرزاد و سحر (مترو سابق) جدا شده و قسمت‌های زیادی به صورت مغازه و محل کسب درآمد، از عمارت اتابکی هم اگر چیزی در این جدا شده‌ها خراب نشده به شکل اداره و محل چاپخانه و کارگاه و محل کسب و کار درآمد است. اما آن چه امروز از بقایای باغ باقی مانده سردر آجری با ارزشی است انتهای کوچه بن بست اتحادیه با تاریخ (۱۳۳۵ قمری/۱۹۱۶ میلادی) و تعدادی بنای مسکونی زیبا که از فشار روزافزون عملکرد تجاری حاکم بر خیابان درمان مانده‌اند. در سال ۱۳۵۳ شمسی این باغ و خانه اتحادیه محل فیلم برداری سریال دایی جان ناپلئون تبدیل شد. این خانه پس از مرگ رحیم اتحادیه در سال ۱۳۱۳ شمسی به دست وراث آن- بابک اتحادیه- افتاد.

به موازات خیابان لاله‌زار پایین کوچه اتحادیه به خانه امین السلطنه می‌رسیم. امین السلطنه محمدعلی خان داماد ابراهیم خان امین السلطان یعنی شوهر خواهر میرزا علی اصغر خان اتابک صدراعظم است. امروز منزل او که چند دست گشته قسمتی تئاتر پارس (فرهنگ) (۱۳۱۹ شمسی / ۱۹۴۰ میلادی) و بقیه پارکینگ، مغازه و محل کسب و تجارت شده است. به محاذات تئاتر پارس در آن سوی خیابان، جنب پاساژ ابهری، مسجد بزرگ لاله‌زار قرار دارد. تا ابتدای کوچه آجودانباشی نقشهٔ نجم‌الملک یعنی کوچه برلن کنونی در حاشیه پیاده رو غربی خیابان قطع زمینی است بایر که امروزه همگی به مغازه، سینما لاله (رکس) و البرز و پارکینگ تبدیل شده است و مسجد مرحوم محمدعلی خان امین السلطنه (۱۳۴۷ قمری/ ۱۹۲۸ میلادی) در حاشیهٔ خیابان مقابل بازار طلافروشی‌های لاله‌زار قرار دارد. در نبش و ابتدای کوچه برلن در ضلع شمالی این زمین در حال حاضر ساختمان پنج اشکوبه ای است به نام ساختمان امگا با مغازه ساعت فروشی که زمانی تعلق به خاندان شقاقی داشته است. مقابل کوچه برلن، کوچه مهران و کمی بالاتر کوچه رفاهی قرار دارند که هرساله صورت بازار پوشاک به خودگرفته‌اند و بر وضعیت و چهره این بخش از خیابان تأثیر مستقیم دارند. در اواسط کوچه برلن بنای زیبایی به یادگار مانده از دوران قاجار قرار دارد متعلق به ناصرالملک وزیر خارجه ناصرالدین شاه که هم اکنون باشگاه رفاهی بانک تجارت می باشد. با مرمت و بتدیل کاربری این بنای بارزش جهت نگهداری اسناد و اشیاء موزه ای بانک می‌توان احیاء و به ارتقاء عملکرد فرهنگی خیابان یاری رساند.

اگر در امتداد پیاده رو غربی خیابان لاله‌زار نبش شمالی کوچه برلن به سوی چهارراه لاله‌زار برویم نقشهٔ نجم‌الملک این ناحیه را عمارت و باغی نشان می‌دهد که پس از انتقال خانهٔ سفیر از محل قدیمی در کوچهٔ نصیرالدوله، اقامتگاه جدید سفیر فرانسه می‌گردد و آن درست به جایی بوده که امروز مغازه قنادی معیلی، مغازه‌های جواهر فروشی، پاساژ گوهر بین و سینما سهیل (ارم) قبل از سال (۱۳۲۰ شمسی / ۱۹۴۱ میلادی) چسبیده به آن است. در این میان آن چه لازم به ذکر است این که درمیان این مغازه‌ها به سابق یعنی اواخر دوره احمدشاه قاجار و عهد پهلوی اول تا اوایل پهلوی دوم دکان پاپاریان داروفروش قرار داشت که جزو اولین داروخانه‌های مدرن در ایران محسوب می‌شد.

در اوایل حکومت پهلوی، زمانی که لاله‌زار جنوبی از لحاظ گرد آمدن کانون‌های تفریحی، هنری و فرهنگی به شدت فعال بود، لاله‌زار شمالی حالت آرام و کم رفت و آمد خود را حفظ کرده بود و حضور باغ‌ها و خانه‌های بزرگ در فضای آن غالب بود. در اوایل دورهٔ پهلوی دوم، یعنی در فاصلهٔ سال‌های (۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ شمسی/ ۱۹۴۱ تا ۱۹۶۱ میلادی) دامنه فعالیت و رونق فرهنگی به لاله‌زار شمالی نیز کشیده شد و سینمای متروپل (رودکی) به طراحی مهندس وارطان هوانسیان و سینمای کریستال و تعدادی پاساژ، مسافرخانه، هتل و ساختمان‌های دوطبقه و سه طبقه بانمای سیمانی و به سبک معماری مدرن اولیه ساخته شدند.

در گوشهٔ شمال شرقی چهارراه لاله‌زار درست همان جایی که نقشهٔ نجم‌الملک محل سفارت دولت اتریش را نشان می‌دهد، هم اکنون ساختمان بسیار زیبای هتل لاله‌زار قرار دارد که با گستردن دو بال خود دردو بدنه خیابان نظر هر بیننده ای را به خودجلب می‌کند. این بنا در دههٔ (۱۳۰۰ شمسی / ۱۹۲۱ میلادی) به طراحی نیکلای مارکف ساخته شد و اولین کافه به سبک اروپایی به نام کافه پارس در طبقه اول آن افتتاح گردید. این کافه تا حدود سال‌های (۱۳۳۰ شمسی / ۱۹۵۱ میلادی) دایر بود. در طبقه هم‌کف کنج این ساختمان مغازهٔ جواهر فروشی مظفریان قرارداد که از سال (۱۳۵۸ شمسی / ۱۹۷۹ میلادی) بسته است و قسمتی از طبقه دوم آن به صورت متروکه رها شده است. در اواخر دوران پهلوی اول در اوج شهرت و شدت فعالیت و جنب و جوش در خیابان لاله‌زار طبقه دوم به ساختمان افزوده شد. این الحاق چنان استادانه و هماهنگ طراحی گردیده است که گویی طرح معماری بنا را تکمیل نموده است. قبل از این که طبقه دوم طراحی و ساخته شود، سایبانی به شکل کلاه فرنگی با سقف مدور و ستون‌های متعدد گچی، در کنج بنا وجود داشته که محل تفرج و چشم‌انداز به خیابان بوده است. این بخش از ساختمان به لحاظ زیبایی و ارتباطات فضایی، به عنوان نقطهٔ عطف ساختمان محسوب می‌گردید. این چشم‌انداز در حال حاضر به وسیله تیغه‌هایی مسدود و به سطح زیربنای ساختمان اضافه شده است. این ساختمان یکی از معدود بناهایی است که دارای خصوصیات معماری

وشهری به طور توأم می باشد، به گونه ای که در موقعیت شهری خود کاملاً شاخص و جافتاده می نماید. سبک معماری بنا در سلک ساختمان‌هایی می‌گنجد که با تفکر التقاطی ترکیب معماری سنتی ایرانی و نئوکلاسیک اروپایی را مطرح می‌نماید.

پایین تر از بن بست پیرنیا و روبه‌روی سینما کریستال، میرزا ابراهیم خان صحاف باشی مغازه آنتیک فروشی داشت و کارش فروش اشیای زینتی بود که از ژاپن و اروپا وارد می‌کرد. همچنین وی در حدود مهرماه (۱۲۸۳ شمسی/۱۹۰۴ میلادی) نخستین سالن نمایش فیلم را در حیاط پشت مغازه اش دایر نمود. آن سوی مغازه صحاف باشی منزل و باغ مشیرالدوله پیرنیا قرار دارد با ساختمانی باقی مانده از اواخر دوران قاجاریه. مدتی در این بنا بنیاد نهج البلاغه به فعالیت مشغول بود و در حال حاضر جهت استقرار مؤسسه مطالعات تاریخی پزشکی، طب اسلامی و مکمل مرمت و بازسازی می‌شود.

طبق نقشه نجم الملک، در محلی که امروز به نام چهارراه گنت (تقاطع خیابان‌های منوچهری و لاله‌زارنو) خوانده می‌شود، کنت دومونت قُرت فرانسوی الاصل منزل و باغی نیز در آن حوالی داشت که همه به کاربری‌های تجاری رفته است. کنت دومونت قُرت که در خدمت ارتش اتریش بود در سال (۱۲۹۵ قمری/۱۸۷۹ میلادی) در چهل سالگی رسماً وارد خدمت ایران شد و به صورت «مستشار پلیس» و بعد رئیس اداره پلیس دارالخلافه و احتسابیه به کار پرداخت.

تا چندی پیش در گوشه جنوبی کوچه صفامنش، رو به خیابان لاله‌زارنو، خانه زیبا و با ارزشی وجود داشت که جهت ساخت پاساژ یا ساختمان تجاری به صورت بی رحمانه ای ویران شده است. متأسفانه تخریب و نوسازی بناهای باارزش این خیابان موجب مخدوش شدن هویت اصلی آن خواهد گردید. روبروی کوچه کریمی در حاشیه شرقی خیابان لاله‌زارنو ساختمان زیبای هتل لاله قرار دارد. این بنای پنج طبقه با طراحی وارطان هوانسیان در دهه ۳۰ به سبک معماری مدرن اولیه و با نمای سیمانی موزائیک درجا ساخته شده است. سفارت خانه پادشاهی دانمارک یکی دیگر از بناهای واقع در ضلع شمال شرقی تقاطع لاله‌زارنو و خیابان تقوی (چهارراه کوشک) است که ضلع غربی آن را ساختمان‌های سه طبقه تجاری حاشیه خیابان تشکیل داده‌اند. در جوار سفارت خانه دانمارک و چسبیده به بیمارستان امیراعلم، خانه صادق هدایت دیده می‌شود. این خانه به صورت مهدکودک در اختیار بیمارستان است. بالاتر از کوچه معمار مخصوص ساختمان چند طبقه ای وجود دارد که طبقات بالای آن به کارگاه‌های خیاطی اختصاص دارد و در منتهی الیه شمالی خیابان لاله‌زارنو بالای کوچه فاخته بنایی چهار طبقه به سبک معماری مدرن اولیه برای ساختمان وزارت کشاورزی ساخته شده بود که در حال حاضر طبقه همکف آن محل فروش لوازم الکتریکی است و طبقات بالای آن کارگاه‌های خیاطی و تولیدی پوشاک می باشد. لاله‌زار پایین به طول ۷۵۰ متر از گوشه میدان توپخانه شروع و به خیابان استانبول منتهی می‌شود و خیابان لاله‌زارنو به طول ۹۰۰ متر از خیابان استانبول تا خیابان انقلاب امتداد دارد. عرض این خیابان از ۱۶ متر بیشتر نیست و همین عرض کم در طول نسبتاً زیاد به آن حالتی صمیمی و پُر جنب و جوش داده است. گرچه امروزه این حالت بواسطه تمرکز عمده فروشی‌های لوازم الکتریکی و انواع تولیدی‌ها و انبارهای مزبور به آنها تا حد زیادی مخدوش شده است بلکه در سرتاسر حاشیه دو طرف سواره رو خیابان از میدان توپخانه تا خیابان انقلاب، اتومبیل‌ها و وانت بارها پارک نموده‌اند که بعضاً در حال تخلیه بار هستند و عملاً ۹ متر از عرض سواره رو را اشغال کرده‌اند. سایر اتومبیل‌ها نیز در معبر ۳ متر باقی مانده مترصد فرصت توقف صف بسته‌اند و سعی می‌کنند که در کوچه‌های فرعی منتهی به خیابان‌های سعدی و فردوسی توقف گاهی بیابند و به این جهت خیابان‌های اطراف را دور می‌زنند. پیاده‌ها و چرخ دستی‌هایی که لاینقطع عرض سواره رو را قطع می‌کنند و اتومبیل‌هایی که در حال خروج از توقف گاه هستند نیز مزید بر علت هستند و بالاخره کلافگی ناشی از ازدحام ترافیکی با دود اتومبیل‌ها به همراه تمرکز الکتریکی‌ها به حدکمال می‌رسد. تصور عدم مطلوبیتی که از دست به دست دادن همه این عوامل حاصل می‌گردد دشوار نیست و با این توصیف می‌توان دریافت که چرا عوامل و عملکردهای فرهنگی از این خیابان زیبا کوچ کرده‌اند. کاهش وجهه فرهنگی خیابان باعث شده است که تمامی سالن‌های تئاتر و سینمای موجود در این خیابان غیر فعال باشد.

در معماری ساختمان‌های با ارزش حاشیه خیابان لاله‌زار، دو سبک کاملاً متمایز را می‌توان تشخیص داد:

۱- سبک معماری پیش از مدرن

۲- سبک معماری مدرن اولیه

تعدادی از ساختمان‌ها حالت بینابینی داشته و در دوره انتقال ساخته شده‌اند. خصوصیات شیوه معماری پیش از مدرن معمول در دوران اوایل سده معاصر خورشیدی را می‌توان چنین برشمرد:

- بدنه سازی با الهام از فرم‌ها و تزئینات معماری نئوکلاسیک اروپا
- رعایت تقارن در نمای اصلی و در تقسیمات مختلف بنا
- ایجاد نظم و ریتم از طریق تکرار المان‌های خاص (درگاه‌ها، بالکن‌ها، ستون‌ها و...)
- رعایت سلسله مراتب در نمای ساختمان به نحوی که به ترتیب در طبقات بالاتر، تقسیمات نما خردتر شده و روی تقسیمات بزرگ پایین می‌نشینند.
- ایجاد فضایی منفی (رواق، بالکن و...) در طبقات بالای ساختمان که موجب سبک شدن بنا گشته و سایه روشن‌هایی نیز ایجاد می‌کنند.

- استفاده از ترکیب گچ، آجر، سیمان، سنگ و تزئیناتی از قبیل آجرکاری، گچ بری و کاشی‌کاری.

- استفاده از شیروانی در بعضی موارد برای پوشش بام

از مشخصات شیوه معماری مدرن اولیه از این خیابان می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

- استفاده از احجام خالص هندسی
- ایجاد خطوط کشیده افقی در نما از طریق پنجره‌ها یا سایه بان آن‌ها
- استفاده از قفسه پلکان در نما با پنجره‌های بلند
- نما و پیش آمدگی و روکار سازی‌های سیمانی آمیخته با رنگ‌های مختلف
- لبه‌های سیمانی بالای پنجره‌ها

علل و عوامل اغتشاش و ناهماهنگی بدنه خیابان لاله‌زار را در چهار دسته کلی می‌توان جای داد:

۱- ناهماهنگی ناشی از آشفتگی الحاقات مانند تابلوهای نامناسب، جعبه کولرها و کانال آن‌ها، اشغال بالکن‌ها و...)

۲- آشفتگی ناشی از تعمیرات، تغییرات و دستکاری‌های موضعی و سرسری

۳- نا آراستگی ناشی از فرسودگی و کثیف شدن نما

۴- وجود تعدادی ساختمان بی‌چهره و فاقد طراحی نما

با توجه به موارد عنوان شده به منظور بازسازی و بهسازی کالبد و احیاء عملکرد فرهنگی خیابان لاله‌زار، اقدام‌های زیر را می‌توان پیشنهاد داد:

۱- زدودن ناهماهنگی و آشفتگی از سیما و منظر خیابان از وجه معماری.

۲- دستیابی به یک الگوی معمارانه هماهنگ با بناهای با ارزش موجود در خیابان برای تغییر نماهای ناهماهنگ موجود، هدایت و کنترل ساخت و سازهای آتی.

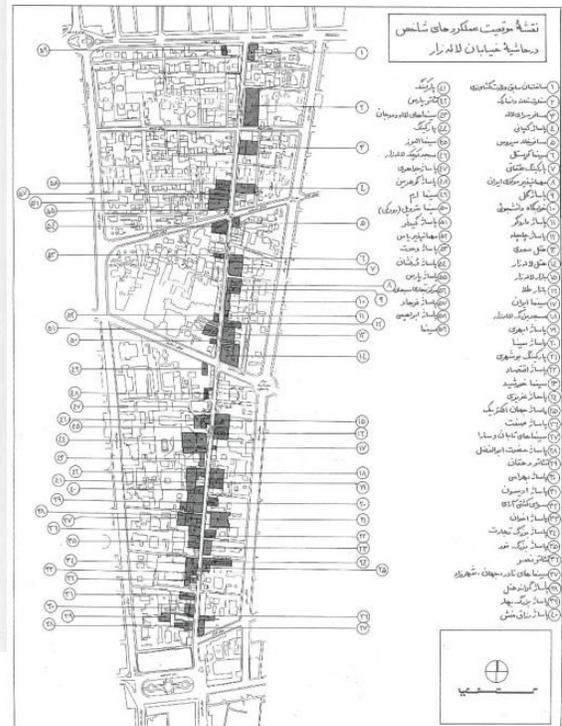
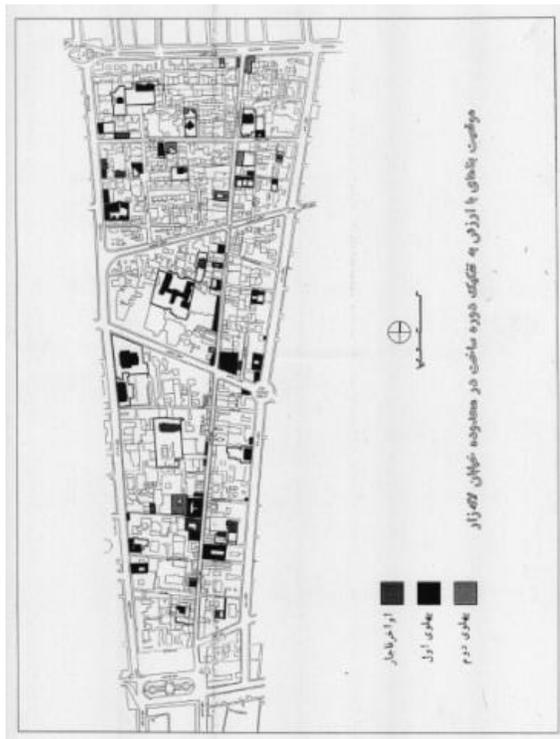
۳- ایجاد مفاهیم و روحیه‌های مثبت فرهنگی در کارکردهای خیابان.

۴- پیشنهاد برای کنترل، از میان بردن یا جایگزین کردن وجوه منفی و ضدفرهنگی در کارکردهای خیابان.

۵- شناسایی ساختمان‌های با ارزش به منظور پیشنهاد استقرار کاربری‌های فرهنگی در شأن هر بنا، با توجه به ویژگی‌های معماری.

۶- ارتقاء کیفیت کاربری‌های فرهنگی موجود در خیابان.

- ۷- شناسایی عملکردهای محل که مانع جذب خدمات فرهنگی در محدوده خیابان می‌گردند.
- ۸- کف‌سازی سطوح پیاده و سواره خیابان و طراحی مبلمان شهری به منظور تجهیز خیابان جهت قدم زدن و گذراندن اوقات فراغت.
- ۹- ایجاد امکان فعالیت خیابان با ایجاد جاذبه‌های فرهنگی و نورپردازی در طی شب.
- ۱۰- کنترل وضعیت ترافیک سواره با تبدیل خیابان به یک محور پیاده با ایجاد امکان دسترسی سواره به منظور بارگیری و تخلیه بار در ساعات مقرر با امکان ارائه خدمات شهری و اورژانس.
- ۱۱- پیش بینی نوع به خصوصی از وسایل حمل و نقل قدیمی مثل درشکه یا واگن برقی روباز با سرعت کم برای معرفی خیابان و وقایع تاریخی آن که می‌تواند برای مردم جذاب و سرگرم کننده باشد.
- ۱۲- وضع قوانین و ضوابط برای کنترل یا ممانعت فعالیت عملکردهای مزاحم و مخرب به منظور هدایت این نوع فعالیت‌ها به سمت عرضه وسایل الکتریکی لوکس.



## فهرست منابع و مآخذ

- اینجا تهران است - مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ق - منصوره اتحادیه (نظام مافی) - نشر تاریخ ایران ۱۳۷۷
- آمار دارالخلافه تهران به کوشش سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه (نظام مافی) - نشر تاریخ ایران - زمستان ۱۳۶۸ ش

- کتاب تهران - جلد ۳ - مقاله غرب خیابان لاله‌زار - عبدالله انوار - ۱۳۷۲ش
- نظم و نظمیة در دورۀ قاجاریه - مرتضی سیفی قمی تفرشی - انتشارات یساولی - تابستان ۱۳۶۲ش
- خاطرات و خطرات - مهدی قلی هدایت - مخبرالسلطنه - انتشارات زوار - ۱۳۶۳ش
- سفرنامهٔ اورسل - ارنست اورسل - انتشارات زوار - ۱۳۵۳ش
- اوراق ایرانی - کلود آنه
- روزنامهٔ ارشاد - ۱۳۲۹ق
- تهران قدیم - جعفر شهری
- تهران در تصویر - جلد دوم - یحیی ذکاء و محمدحسن سمسار - انتشارات سروش
- Tehran : An urban analysis , H . Bahram Beygui , 1977-sahab books institute
- نشر گنجینه - دفتر دوم - انتشارات اسناد ملی ایران - زمستان ۱۳۶۸ش
- روزنامه شرف - شماره ۲۴ - محرم ۱۳۰۲ق - ناشر یساولی